

The position and goals of the Islamic resistance from the perspective of commentators; Emphasizing the verses of jihad

Received: 2020-02-10

Accepted: 2020-06-15

Mohammad sadegh yousefi moqaddam *

The purpose of this study is to explain the position and goals of Islamic resistance from the perspective of commentators to clarify the holistic view of Islam on the subject of resistance. This research has been done using descriptive-analytical method. According to the obtained results, the set of goals of Islamic resistance in the Holy Quran (establishment of Islamic government; defense of established Islamic system; deterrence of the enemy from military, political and economic actions against the Islamic Ummah; defense of the oppressed; security and religious freedom and social justice) are not only interconnected and they form a truth, but some goals (such as the establishment of the Islamic system) also have a prior and instrumental aspect over others. Therefore, the Resistance Front must strive to achieve all goals at the same time in order to be safe from extremism. In addition, the incompatibility of the views and actions of the Takfiri movements with the teachings of the Qur'an and the truth of Islam based on the above-mentioned view can be clearly proven.

Keywords: Holy Quran, Jihad, Islamic Resistance, Resistance Front, Takfiri movements.

* Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, (y_moqaddam@yahoo.com).



جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از دیدگاه مفسران؛ با تاکید بر آیات جهاد

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۱

تاریخ تأیید: ۹۹/۳/۲۶

محمدصادق یوسفی مقدم*

هدف پژوهش حاضر، تبیین جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از نگاه مفسران است تا نگاه هم‌گرایانه‌ی اسلامی به موضوع مقاومت روشن گردد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. بنابر نتایج به دست آمده، مجموعه‌ی اهداف مقاومت اسلامی در قرآن کریم (استقرار حکومت اسلامی؛ دفاع از نظام اسلامی مستقر؛ بازدارندگی دشمن از اقدامات نظامی، سیاسی و اقتصادی علیه امت اسلامی؛ دفاع از مستضعفان؛ تامین امنیت و آزادی دینی و عدالت اجتماعی) نه تنها به هم پیوسته‌اند و یک حقیقت را شکل می‌دهند، بلکه برخی اهداف (مانند استقرار نظام اسلامی) نسبت به برخی دیگر، جنبه‌ی مقدمی و ابزاری دارند. لذا جبهه‌ی مقاومت باید هم‌زمان برای تحقق همه‌ی اهداف تلاش کند تا از افراط و تفریط مصون بماند. مضاف بر این، براساس دیدگاه یادشده به وضوح می‌توان ناسازگاری دیدگاه‌ها و اقدامات جریان‌های تکفیری را با آموزه‌های قرآن و حقیقت اسلام اثبات کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، جهاد، مقاومت اسلامی، جبهه‌ی مقاومت، جریان‌های تکفیری.

جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از دیدگاه مفسران؛ با تاکید بر آیات جهاد

بی‌تردید شکل‌گیری جبهه‌ی مقاومت به‌صورت هدف‌مند و با باورها و ارزش‌های انگیزه‌بخش، مردمی و پیش‌برنده در منطقه‌ی غرب آسیا و فراتر از آن، یکی از دست‌آوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی است؛ دست‌آوردی که با توسعه و تقویت آن می‌توان از کیان و جغرافیای جهان اسلام دفاع کرد و دشمنان امت اسلامی را وادار به تسلیم نمود.

تقویت جبهه‌ی مقاومت نیازمند تقویت «فرهنگ مقاومت» در مقابل «فرهنگ استکبار» و نظام سلطه است. روشن است که تقویت فرهنگ جبهه‌ی مقاومت از مسیر تقویت باورها و ارزش‌های مشترک مسلمانان و حامیان مقاومت و پیش‌گیری از افتادن آنان در دام جریان‌های به‌ظاهر اسلام‌خواهی تحقق پیدا می‌کند که در باطن مجریان سیاست‌های استعماری و تفرقه‌افکنانه‌ی جبهه استکبار وجود دارد. براین اساس تقویت باور جامعه‌ی اسلامی در جهت اهداف قرآنی مقاومت و مفاهیم سعادت‌بخش آن (استقرار حاکمیت الهی، دفاع از طبقات محروم و مستضعف جامعه، تأمین امنیت و عدالت اجتماعی و آزادی و ...) در توسعه و تعمیق فرهنگ مقاومت و تضعیف فرهنگی جبهه‌ی نظام سلطه و جریان‌های تکفیری بسیار موثر است. امت اسلامی با توجه به شرایط عصر حاضر به‌دلیل حضور اشغالگرانه‌ی نظام سلطه در بلاد اسلامی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند هم‌گرایی براساس باورها و ارزش‌های مقاومت اسلامی هستند.

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین جایگاه و اهداف مقاومت اسلامی از نگاه مفسران و تبیین نگاه هم‌گرایانه‌ی اسلامی به موضوع مقاومت و جلوگیری از افتادن در دام جریان‌های منحرف مدعی اسلام‌خواهی است تا با نشان دادن اهداف مشترک بیان شده در قرآن کریم، مسلمانان به‌صورت متحد در جبهه‌ی مقاومت، هم‌چون سدی محکم، در برابر اقدامات نظامی و سیاسی و اقتصادی دشمن ایستادگی کنند.

۱. مفهوم‌شناسی مقاومت

مقاومت از «قام» به‌معنای استواری و استقامت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۹ و بستانی، ۱۹۸۷م، ص. ۷۶۳) آمده است. باب مفاعله‌ی آن (یعنی مقاومت) به‌معنای پایداری و ایستادگی جمعی انسان‌ها با یک‌دیگر در راه حق است که در قرآن کریم به‌کار نرفته است. مقاومت به‌معنای اصطلاحی آن، از امر به صبر (آل عمران، ۲۰۰)، امر به استقامت (شورا، ۱۵ و هود، ۱۱۲) و امر به ثبات قدم (بقره، ۲۵۰؛ آل عمران، ۱۴۷ و انفال، ۱۱ و ۴۵) به‌دست می‌آید.



«استقامت» به معنای پایداری انسان و ملازم راه راست و حق بودن، است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۹۰). مفسران ذیل آیه‌ی «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ» (هود، ۱۱۲)، استقامت را به: طلب قیام، ثبات، دوام استمرار قیام انسان بر ایمان و امتثال امر خدا (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص. ۲۲۰) و حرکت بدون انحراف در جهت مستقیم (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص. ۱۰۷) با تمام توان و استعداد تفسیر کرده‌اند.

ثبات در مقابل زوال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۷۱) به معنای: دوام، استقرار، عدم تفرق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۱۹۵)، ایستادگی (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص. ۶۸۹) است. این معنا در قرآن، در اشاره به استواری و پایداری مومنان به کار رفته و «کنایه از تشجیع و تقویت دل هاست» (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص. ۲۹۸). این واژه رابطه‌ی معنایی نزدیکی با استقامت دارد (میرحسینی، ۱۳۸۹، ص. ۵۹۴). هرچند برخی ثبات را ویژه‌ی امور مادی، و استقامت را مربوط به امور معنوی دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص. ۸، ج ۸، ص. ۲۴۰)، ولی در آیات قرآن، از جمله در آیه‌ی ۴۵ انفال: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا» به ثبات قدم امر شده است (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص. ۳۰۴). در آیه‌ی ۲۵۰ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» مومنان از خدای متعال درخواست صبر، ثبات قدم و پیروزی می‌کنند. در آیه‌ی ۷ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد ﷺ نیز «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ» چنین بیان می‌شود که ثبات قدم، پاداش یاری دین خداست. این معانی بر اعم از ثبات مادی و معنوی دلالت دارند. مقارنت مفاهیم سه‌گانه‌ی «صبر، ثبات قدم و پیروزی» نشانه‌ی پیوند و ترتب آن‌هاست (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۱۵۲).

«جهاد» از ریشه‌ی «جَهْد» به معنای سختی و جُهد و کوشش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۰۸). مراد از مجاهده نیز عبارت است از به‌کاربردن تمام تلاش در برابر دشمن (همان). گاهی مفسران، واژه‌ی «جهاد» را به معنای مقاومت تفسیر کرده‌اند. چنان‌که جصاص (۱۴۰۵ق) جهاد را در آیه‌ی ۱۹۰ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ» و در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه: «وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به مقاومت تفسیر کرده است (ج ۴، ص. ۳۱۶). زحیلی (۱۴۱۸ق) در تفسیر عبارت «وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا» می‌نویسد: «ما را بر جهاد، نیرومند فرما! و هنگام مقاومت، ما را متزلزل نکن» (ج ۲، ص. ۴۲۷). حقی (بی‌تا) نیز می‌نویسد: «مجاهده (جهاد) در لغت، همان محاربه و (جنگ و مقاومت) است (ج ۵، ص. ۵۱۰).



کلمه‌ی «مقاومت» جانشین و یا دست‌کم همنشین واژه‌ی «جهاد» است. این همنشینی را از معنای واژه‌ی جهاد در آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان می‌توان فهم کرد: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». خداوند از پیامبر ﷺ می‌خواهد در برابر خواسته‌ی کافران ثبات داشته باشد و از خود نرمی نشان ندهد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۹، ص. ۷۵ و طبرسی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، ج ۷، ص. ۳۰۳). جهاد در این آیه، مفهومی جز مقاومت را القا نمی‌کند. همین آیه دلیل بر این است که مقاومت تنها در عرصه‌ی قتال، جهاد نامیده نمی‌شود، بلکه بر مقاومت در عرصه‌ی فرهنگ نیز می‌توان واژه‌ی جهاد را اطلاق کرد. هم‌چنین آیه‌ی یادشده برترین دلیل بر مهم‌تر بودن جهاد و مقاومت فرهنگی برای حل شبهات گمراه‌کنندگان و دشمنان دین است (همان؛ ص. ۲۱۶)؛ زیرا آن را تحت‌عنوان «جهاد کبیر» تعبیر کرده است.

در دلالت آیه بر مقاومت فرهنگی و در گستره‌ای وسیع‌تر، بر جهاد و مقاومت تمدنی، فرقی نمی‌کند که ضمیر (به) به «قرآن» برگردد یا به مفهوم «لا تطع»؛ زیرا منبع اصلی مقاومت فرهنگی و تمدنی آموزه‌های قرآن کریم است. از این رو برخی بر این باور هستند که جهاد به معنای نهایت تلاش برای دین و در راه خدا معنای وسیعی دارد که مقاومت و جنگ با دشمن شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود؛ این دو قسم معنا را می‌توان ضمن عناوین «جهاد ابتدایی» و «جهاد دفاعی» از یک‌دیگر تفکیک کرد. از این منظر، رابطه‌ی جهاد و مقاومت رابطه‌ی عام و خاص است (شفیعی‌نیا، ۱۴۳۲ق، ص. ۳۸). براساس آنچه بیان شد، از منظر قرآن کریم مقاومت به معنای «استقامت، ثبات قدم و جهاد در برابر فشارها، تحمل دردها، مصیبت‌ها و دشمنی‌ها و خودداری از ذلت و تسلیم‌ناپذیری است» (همان، صص. ۳۵-۳۶).

۲. جایگاه مقاومت

۲.۱. رکن دین

خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی ۹۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، مجاهدان را با وعده‌ی پاداش بزرگ جهادگران و مقاومت‌کنندگان، بر خانه‌نشین‌ها برتری داده است: «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا». مفسران (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص. ۲۸۶ و شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۵۵۶) ذیل آیه‌ی یادشده با استناد به حدیثی از پیامبر ﷺ از جهاد به عنوان رکن دین یاد کرده‌اند. جصاص (۱۴۰۵ق) ذیل حدیث «جاهدوا المشركين بأموالكم و أنفسكم و ألسنتكم» با بیان وجوب جهاد با مال و جان و زبان می‌نویسد:

پیامبر ﷺ جهاد را با استفاده از تمام ابزار ممکن واجب کرده و پس از ایمان به خدا و

رسول ﷺ، واجبی موکدتر و سزاوارتر از جهاد نیست. با جهاد است که اسلام پیروز و فرائض ادا می‌شود. چنان‌که ترک جهاد، سبب پیروزی دشمن و نابودی اسلام می‌گردد. (ج ۴، ص ۳۱۴)

۲،۲. محبوب‌ترین عمل

اصحاب رسول خدا ﷺ همواره در پی محبوب‌ترین اعمال نزد خدا بودند. آنان «با خود می‌گفتند: ای کاش دوست‌داشتنی‌ترین عمل نزد خدا را می‌دانستیم تا به آن عمل می‌کردیم» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۵۴). خداوند متعال در پاسخ به درخواست آنان آیه‌ی ۴ سوره‌ی مبارکه‌ی صف را نازل کرد و جهاد و مقاومت در راه خدا را محبوب‌ترین عمل معرفی نمود: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ». به‌گفته‌ی ابن‌عاشور خدای سبحان با نزول این آیه، مسلمانان را به محبوب‌ترین عمل که عبارت است از مقاومت در برابر دشمن با صفوف منظم و به‌هم‌پیوسته، هدایت کرده است (همان).

۲،۳. تفضل و رحمت الهی

خداوند در آیه‌ی ۲۵۱ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، پس از بیان شکست جالوت به دست داود و این‌که اگر گروهی در برابر متجاوز دفاع و مقاومت نکنند، فساد جهان‌گیر می‌شود، مقاومت در برابر فساد و مفسدان را "تفضل و رحمت خدا" بر جهانیان دانسته و فرموده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». مراغی (بی‌تا) با استناد به جمله‌ی «وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» نوشته است: «از فضل و رحمت خدا است که جنگ با سرکشان مفسد را به مصلحان اجازه فرمود و اهل حق را هم‌آورد اهل باطل قرار داد» (ج ۲، ص ۲۲۶).

۲،۴. مایه‌ی حیات

حیات واقعی از منظر قرآن کریم، حیاتی است که با جهاد و مقاومت همراه باشد. برخی از مفسران ذیل آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴) که خداوند از مومنان می‌خواهد به دعوت پیامبر ﷺ برای زندگی واقعی پاسخ مثبت دهند، یکی از معانی حیات را در این آیه، جهاد و مقاومت در برابر دشمن دانسته‌اند که سبب عزت و قوت مسلمان و خواری دشمنان می‌شود (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۷۵).

۳. اهداف مقاومت

۳،۱. استقرار نظام اسلامی

از مهم‌ترین اهداف مقاومت و جهاد در راه خدا، امت‌سازی و برپایی حکومت اسلامی است. چنان‌که مفسران، حاکمیت دین را در آیه‌ی «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ



الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال، ۳۹) به مواردی هم‌چون: «استقرار شریعت اسلام» (طنطاوی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۱۲)، «استقرار اطاعت خدا و شرع» (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۲۶۴)، «استقرار طاعت و عبادت خدا» (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۲۱۴)، «انقیاد و تسلیم مداوم برای خدا» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص. ۳۲۵)، «استقرار اسلام» و «اعتلای کلمه الله» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۵۰) و «پیروزی و برتری دین خدا بر ادیان» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۳۸۸ و طنطاوی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۱۲) تفسیر کرده‌اند.

بنابراین، هدف اصلی مقاومت، نابودی شرک و کفر و حاکم کردن قانون خدا و شریعت اسلام در جامعه‌ی اسلامی و خارج نمودن مردم از بردگی غیر خداست. از این رو سید قطب (۱۴۱۲ق) بر این باور است که هدف یادشده جز با تاسیس نظام و حکومت اسلامی محقق نمی‌شود (ج ۳، ص. ۱۵۵۵). وی در ذیل آیه‌ی ۱۹۳ بقره می‌نویسد: اسلام حق دارد مردم را از پرستش غیر خدا خارج و به پرستش خدای یگانه درآورد تا ربوبیت (قانون‌گذاری) خدا را اعلان و مردم را آزاد نماید؛ چراکه عبادت خدا جز با تشکیل نظام اسلامی صورت واقعی پیدا نمی‌کند (همان، ص. ۱۴۴۳).

۳،۲. دفاع از نظام اسلامی مستقر

از قرآن کریم استفاده می‌شود که حفظ جامعه‌ی اسلامی از انحراف، تکلیفی جمعی و الهی است و مسلمانان در قبال آن در پیشگاه خداوند مسئول‌اند. آیه ۱۰۵ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده بر چنین هدفی آشکارا دلالت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، صص. ۱۶۲-۱۶۴). در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» مخاطب خطاب "كُم" در «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» جمعی است و نشانه‌ی اجتماعی بودن وظیفه می‌باشد و به این معناست که مومنان باید در ایمان خودشان مقاومت کرده و از آن‌چه مربوط به جامعه‌ی مومنان است، مراقبت کنند. آنان با مقاومت خود از آسیب‌های گمراه‌کننده‌ی دشمن، که درصدد زیان و آسیب‌رساندن به آنان است، مصونیت می‌یابند: «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ». این آیه در پایان با جمله‌ی «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا، فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» برای حسن انجام وظایف، به جامعه‌ی اسلامی هشدار می‌دهد که بدانند به نزد خدا برمی‌گردند و اگر در وظایف خود کوتاهی کنند، به اعمالشان رسیدگی دقیق می‌شود. برخی از مفسران با بیان این که مراقبت و دفاع از نظام اسلامی پس از استقرار آن لازم است، می‌نویسند:

هنگامی که امت، نظام (اسلامی) را در زمین مستقر کرد، باید تمام بشر را (به اسلام) دعوت و برای هدایت مردم چاره‌اندیشی کند. باید برای برپا کردن عدالت، جامعه را رهبری کند تا از بازگشت آن‌ها به (گمراهی و جاهلیتی که از آن خارج شده‌اند، جلوگیری کند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۹۹۲).

۳،۳. بازدارندگی

یکی از اهداف مهم مقاومت، بازدارندگی است. بازدارندگی به معنای مجموعه‌ای از تدابیر است که هدف آن، اقناع دشمن نسبت به این امر است که اگر بخواهد وارد جنگ، اقدام اقتصادی یا سیاسی علیه نظام اسلامی شوند، ضرر خواهند کرد و دریابند که خسارت این کار از سود احتمالی آن برای دشمن بیش‌تر است (لطیفی پاکده، بی‌تا، ص. ۳۴). قرآن کریم واژگان "دفاع" و "اعتداء به مثل" را برای بازگ کردن مقاومت با هدف بازدارندگی به کار برده است.

براساس آیه‌ی «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره، ۲۵۱) دفاع برای پاکی زمین از فساد و براساس آیه‌ی «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج، ۴۰) دفاع برای تحفظ از عبودیت خدا و مراکز عبادی است. برخی دفاع را امری غریزی دانسته‌اند که به‌وسیله‌ی آن تجاوز دفع می‌شود تا زمین را تباهی فرا نگیرد. براین اساس هدف دفاع به معنای مقاومت در برابر دشمن، بازدارندگی است. برخی از مفسران مراد از دفاع در این آیه را جهاد برای دفع فساد، بازدارندگی و خشکاندن ریشه و سرچشمه‌ی فساد دانسته‌اند (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۴۸۱) و برخی دیگر معتقدند دفاع بعضی از مردم از بعضی، مفسد را از فکر فساد (جنگ و تجاوز) باز می‌دارد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۸۰). با این بیان، دفاع با هدف پیش‌گیری از فساد فی‌الارض (بقره، ۲۵۱)، حفظ اماکن مقدس از تخریب و نجات سرزمین‌های اسلامی از دست دشمن (حج، ۴۰) است.

مقابله به مثل نیز یکی از راه‌های بسیار موثر در بازدارندگی از تجاوز و جنایت است. از این رو قرآن کریم در آیه‌ی ۱۹۴ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره به مقابله به مثل فرمان داده و فرموده است: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ». بسیاری از مفسران از جمله: بیضاوی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص. ۱۲۸) ذیل همین آیه، ابو حیان اندلسی (۱۴۲۰ق، ج ۲، صص. ۲۴۹-۲۵۰) و ابن کثیر (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۳۹۰) به عمومیت مقابله به مثل در هر شرایط و موردی اذعان کرده‌اند. برخی نیز مانند زحیلی با بیان ثبات و دائمی بودن مقابله به





مثل، آن را به شرایطی مانند تقوی، فضیلت، حقوق شهروندی و انسانی مقید دانسته است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص. ۱۸۰).

با دقت در واژه‌ی «مثل» در آیه‌ی ۱۹۴ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آشکار می‌شود که در مقابله به مثل - از منظر قرآن - باید از حیث ماهیت و ابزار، هم‌سنخ و هم‌گون با تجاوز و جنایت باشد تا "مثل بودن" صدق کند. از این رو برخی مفسران در تفسیر جمله‌ی «فَمَنْ أَعْتَدَى . . .» نوشته‌اند: «نبرد با دشمن جسورانه و بدون کوتاهی باید باشد. کسی که در جنگ گلوله‌های آتشین، توپ و گاز سمی به کار می‌برد، با همان ابزارها باید با وی مقابله به مثل کرد» (مراغی، بی تا، ج ۲، ص. ۹۳).

بنابراین در جمع‌بندی باید گفت که بازدارندگی دشمن، یک قانون عمومی و ابدی است. قرآن کریم برای بازدارندگی از عناوینی مانند دفاع و مقابله به مثل استفاده کرده است. هدف مهم بازدارندگی نیز پیش‌گیری از فساد فی الارض و پاسداشت محرمات الهی است. مقابله به مثل باید با تجاوز متناسب و همگون باشد.

۳،۴. دفاع از مستضعفان

کاربرد مشتقات واژه‌ی «استضعاف» به معنای ناتوان یافتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۰۶) یا ناتوان شمردن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۸۴) در قرآن کریم زیاد و فراوان است. آیات ۷۵، ۹۷ و ۹۸ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء به موضوع مقاومت برای دفاع از مستضعفان می‌پردازد. آیه‌ی ۷۵ این سوره، مسلمانان را به دلیل ترک قتال و مقاومت در راه خدا برای دفاع از مستضعفان توبیخ کرده و فرموده است:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ برای شما چه سودی دارد که در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که ناتوان شمرده شده و مورد ستم کفرپیشگان قرار گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟! همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌گردد بیرون بر و از جانب خودت برای ما سرپرستی بگمار و از نزد خویش برای ما یآوری مقرر دار.

از منظر این آیه، مراد از مستضعف، مردان و زنان و کودکانی هستند که گرفتار دژخیم و سرزمین کفر شده‌اند و برای نجات خود از پروردگار استمداد کرده و رهبری الهی می‌طلبند و دستیابی به پیروزی را از جانب پروردگار خود طلب می‌کنند. فخر رازی (۱۴۲۰ق) براساس آیه‌ی یادشده، جهاد (رهایمی‌بخش) را واجب دانسته است و معتقد است

در شرایطی که زنان، مردان و کودکان زیر ستم به نهایت ناتوانی رسیده باشند، هیچ عذری در ترک آن جهاد پذیرفته شده نیست. (ج ۱۰، ص ۱۴۱). برخی از مفسران بر این باور هستند که آیهی فوق بر وجوب جهاد برای نجات دادن مسلمان از دست کفار دلالت دارد و بر ترک آن توبیخ کرده است (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۲۴).

در آیات ۹۷ و ۹۸ همین سوره‌ی مبارکه نیز از دو گروه مستضعف یاد شده است: اول؛ گروهی که ادعای استضعاف کرده و آیه حال و مقال شان با فرشتگان را در هنگام جان‌کندن گزارش کرده و آنان را با فرض توانایی هجرت از بلاد کفر به بلاد اسلامی توبیخ نموده است:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا؛ کسانی که با پشت سر افکندن معارف الهی و احکام دین بر خود ستم کرده‌اند، هنگامی که فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند، به آنان می‌گویند: در چه حال بودید؟ چرا به دین الهی پای‌بند نبودید؟ می‌گویند: ما در این سرزمین تحت سیطره‌ی کفر و شرک ناتوان شمرده شده بودیم. فرشتگان می‌گویند: مگر زمین خدا گسترده نبود که در آن هجرت کنید و به سرزمینی بروید که بتوانید دین خود را نگه دارید؟ از این رو آنان جایگاه‌شان دوزخ است و آن بد بازگشتگاهی است.

دوم؛ گروهی از مستضعفان هستند که عذرشان بر عدم امکان هجرت از سرزمین کفر، مقبول است. در آیه‌ی ۹۸ این گروه استثنا شده‌اند و حساب آنان از گروه اول جدا گردیده است. قرآن کریم در شرح حال آنان می‌فرماید:

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا؛ مگر آن مردان و زنان و کودکان زبون شمرده شده‌ای که نمی‌توانند برای رهایی خود چاره‌ای بیندیشند و راهی برای خروج از تحت سیطره‌ی کافران نمی‌یابند.

گروه دوم همان کسانی هستند که در آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، جهاد و مقاومت را برای رهایی آنان از چنگ کفار ستمگر واجب کرده است.

۳،۵. تأمین امنیت

در قرآن کریم از امنیت به معنای آرامش خاطر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰) و ضد ترس (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱)، با عناوینی هم‌چون: سکینه (توبه، ۲۶)، اطمینان (نحل، ۱۱۲) یاد شده است. واژگان متضاد آن نیز عبارت‌اند از: خوف (نحل، ۱۱۲)، رعب (حشر، ۲)، رهب



(انفال، ۶۰) و حذر (بقره، ۱۹). نشان ارزشمندی و اهمیت امنیت آن است که یکی از صفات خدا، «الْمُؤْمِنُ» (حشر، ۲۳) یا بخشنده‌ی امنیت است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص. ۳۵۳۳). هم‌چنین خدای متعال در آیات قرآن کریم، خانه‌ی خود را مکان امن نامیده و فرموده است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمِنًا» (بقره، ۱۲۵). یا در آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نحل، الگوی توسعه و تمدن قرآنی را «شهر برخوردار از امنیت» معرفی کرده و فرموده است:

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرِيَةً كَانَتْ اٰمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَّاتِيهَا رِزْقُهَا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِاَنْعَمِ اللّٰهِ فَاذَاقَهَا اللّٰهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ و خداوند مثلی زده است شهری که از آسیب‌ها در امان بود و مردم‌اش در آن آرامش داشتند و روزی‌اش از هر سو به خوبی و فراوانی به آن می‌رسید. ولی نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کارهایی که می‌کردند، فراگیری گرسنگی و ترس را به آنان چشاند.

از این رو یکی از اهداف اساسی مقاومت در نگاه قرآن، تحقق امنیت به‌عنوان رکن زندگی است. چنان‌که یکی از مصادیق فتنه در آیه‌ی ۱۹۳ بقره، آزار مسلمین (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص. ۲۴۷) و ترساندن آنان (مراغی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۹۲) و مختل کردن نظام زندگی است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۹۹).

قرآن کریم به امنیت بین‌الملل اهمیت داده و در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نور، امنیت را از شاخصه‌های مهم حکومت جهانی اسلام دانسته و به آن بشارت داده است: «وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ... وَ لَيُدۡنِيَهُنَّ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمِنًا». براساس آیه‌ی ۱۹۴ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، مقاومت برای رفع خوف و تامین امنیت جامعه اسلامی واجب شده است و آنان «باید در برابر دشمن مقاومت کنند تا از ستم، تجاوز، فتنه و آزاررسانی جلوگیری شده و امنیت و آسایش مردم تامین گردد» (مراغی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۹۳). هم‌چنین لازم است افراد جامعه نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود، هراس و بیمی نداشته باشند و هیچ عاملی نباید حقوق مشروع آنان را به مخاطره انداخته و تهدید کند.

آیات یادشده درباره‌ی لزوم تامین امنیت، اطلاق دارد و شامل افراد و جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. اهمیت امنیت شهروندان نظام اسلامی به‌صورت مطلق، به خوبی در کلام امیرمومنان علیه‌السلام نیز مورد توجه بوده است. آن حضرت از این‌که مردی از لشکر شام، خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های زنی مسلمان و غیرمسلمان را به

غارت برده و آنان وسیله‌ی دفاعی، جز اشک و التماس نداشته‌اند و شامیان با غنایم بسیار بدون آن که یک نفرشان، زخمی و یا قطره‌ی خونی از ایشان ریخته شود، فرار کرده‌اند، می‌فرماید: اگر مسلمانی از این واقعه از روی تأسف بمیرد، ملامت نمی‌شود و به نظر من سزاوار است (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۷).

۳,۶. تامین آزادی دینی

«حریت» موهبتی الهی است و برترین آزادی برای مسلمان، آزادی در عقیده، اندیشه و عمل دینی است. قرآن کریم در آیه‌ی «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال، ۳۹) یکی از اهداف جهاد و مقاومت را رفع فتنه قرار داده است. از جمله‌ی «وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» چنین استفاده می‌شود که آزادی دینی، از اهداف بسیار مهم جهاد و مقاومت در دیدگاه قرآن کریم است؛ از این رو برخی از مفسران می‌نویسند:

زوال فتنه هنگامی رخ می‌دهد که کفار نتوانند مانع اظهار دعوت مردم به خداوند شوند... رفع فتنه به آن است که هر شخصی بدون ترس، دین‌اش را آشکار و برپا نماید و شعائر دینی را بدون ترس، وحشت و تحقیر تکرار کند. بر این اساس یکی از اهداف جهاد و مقاومت، تامین آزادی دینی است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، صص. ۱۸۰-۱۸۱).

۳,۷. عدالت اجتماعی

آیات قرآن بیان‌گر آن است که خداوند، نظام تکوین و نظام تشریح را بر اساس حق و عدل به پا داشته است تا به هر یک از انسان‌ها، متناسب با خوبی و بدی عمل‌شان جزای عادلانه داده شود: «وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ» (جاثیه، ۲۲).

به حق و عدل بودن آفرینش اقتضا می‌کند که در ماورای این عالم، عالمی دیگر هست که در آن هر کسی جزای آن‌چه را که کسب کرده و استحقاق آن را دارد، دریافت کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، صص. ۱۷۱-۱۷۲)؛ چراکه جامعه‌ی انسانی از قانون جهان‌شمول الهی برکنار نیست و بدون عدالت به حیات سالم خود ادامه نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص. ۳۶۷). از این رو خداوند به اجرای عدالت سفارش کرده و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل، ۹۰) یا «... أَمْرٌ لِّأَعْدِلَ...» (شوری، ۱۵). عدل، برنامه و رسالت اصلی پیامبران است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید، ۲۵). در قرآن کریم، عدل، نشانه‌ی حرکت جامعه در صراط مستقیم شمرده شده است: «... وَ مَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل، ۷۶).





هم‌چنین از مومنان خواسته شده است که عدالت را اقامه کنند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...» (نساء، ۱۳۴). این مطلب بدان دلیل است که عدالت، زمینه‌ساز بالندگی و شکوفایی استعدادهاست. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: بالعدل تتضاعف البرکات، (النوری طبرسی، ۱۴۰۸/ق ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص. ۳۲۰).

با توجه به این که آسیب‌ها، جرایم اجتماعی و فاصله‌ی طبقاتی از علایم نارسایی اقتصادی، سیاسی و سازمانی است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴، صص. ۲۴۳-۲۴۴) و در توسعه‌ی بحران نقش اساسی دارد (درخشان، ۱۳۸۷، ص. ۳۰)، راهبرد قرآن کریم برای مقاومت و مبارزه با بحران‌های یادشده افزون بر مبارزه با فساد، تاکید بر اجرای عدالت است؛ زیرا عدالت در حفظ، گسترش و توزیع ثروت (جهانیان، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۸) سبب می‌شود تا مردم به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه دست یافته (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸) و بی‌نیاز شوند. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم» (کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص. ۵۶۸).

براساس همین مبنا، مقام معظم رهبری از یک‌سو مبارزه با مفاصد اقتصادی را از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، کار درست و قوی (همو، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲) و شاخص دولت اسلامی دانسته‌اند (همو، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) و از سوی دیگر عدالت را شاخص مهم اقتصاد مقاومتی (همو، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱) دانسته‌اند و معتقدند که پیشرفت اقتصادی بدون اجرای فراگیر عدالت اجتماعی صحیح نیست. (همو، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶). ایشان در بیانیه‌ی گام دوم، سنگینی کفهی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور را مطالبه کرده و فرموده‌اند: «عدالت در صدر هدف‌های اولیّیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است» (همو، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). معظم‌له در این بیانیه، طهارت اقتصادی را شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی دانسته و خواهان تلاش همه‌جانبه‌ی نظام جمهوری اسلامی در راه استقرار عدالت شده و فرمودند: «دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند» (همان).

از این رو هر چند کشورهای توسعه‌یافته، مبارزه با فساد را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند (بهرامی و دیگران، ۱۳۹۶، صص. ۲۷۳-۲۷۴)، در اقتصاد مقاومتی روش صحیح افزون بر تامین امنیت فضای کسب‌وکار برای کارفرمایان، مدیران و فعالان اقتصادی،

مبارزه با فساد و اجرای عدالت دو راهبرد مهم الگوی تولید و مصرف است. آیات قرآن نیز بیان گر آن است که مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی، از کمبود و یا نبود مواد اولیه و بخل طبیعت نیست، بلکه علت اصلی، تقسیم ناعادلانه و بهره‌برداری نادرست از منابع و امکانات موجود است. قرآن کریم پس از بیان نعمت‌های فراوان طبیعی و امکانات گوناگون می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» با تعلیل «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم، ۳۴). بدین ترتیب آشکار می‌شود که تخصیص نابرابر ثروت، مبادلات نادرست اقتصادی و بهره‌کشی غیراصولی از منابع طبیعی، از ستم‌کاری انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد (صدر، ۱۳۸۹ق، صص. ۳۳۲-۳۳۳).

۳.۸. به هم پیوستگی اهداف مقاومت

در اندیشه‌ی دینی، اهداف مقاومت به هم پیوسته هستند و حقیقت واحدی را شکل می‌دهند؛ به این معنا که به همان اندازه که برای حاکمیت اسلام و بازدارندگی هزینه می‌شود، برای امنیت جامعه و اجرای عدالت اجتماعی نیز هزینه می‌شود. بلکه برخی اهداف مانند استقرار نظام اسلامی نسبت به برخی اهداف دیگر جنبه‌ی مقدمی و ابزار دارند. چنان‌که علی علیه السلام تلاش و مقاومت را نه برای رقابت و به دست آوردن قدرت سیاسی و مزایای ناچیز دنیوی آن، بلکه برای بازگرداندن آثار و حقایق دین، اصلاح شهرها، امنیت بندگان ستمدیده و اجرای قوانین راکد الهی می‌داند (عبده، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۱۳). آن حضرت با سوگند به خدای یگانه، فلسفه‌ی پذیرفتن امر خلافت را با آن همه بی‌رغبتی که دارد، برقراری عدالت در جامعه می‌داند (همان، ج ۱، ص. ۳۶).

براین اساس تلاش و مقاومت برای استقرار نظامی اسلامی اگر با تلاش برای امنیت افراد و جامعه و اجرای عدالت اجتماعی همراه نباشد، با اهداف قرآن در تعارض خواهد بود. لذا برنامه‌ها و اقدامات فرقه‌ها و گروه‌هایی مانند داعش و القاعده و همه‌ی جریان‌های تکفیری که داعیه‌ی اسلام‌خواهی را دارند، با آموزه‌های قرآن و حقیقت اسلام ناسازگار و بلکه مخالف است.

نتیجه

مقاومت اسلامی در نگاه مفسران مذاهب اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. از منظر آنان، قرآن کریم با واژه‌هایی مانند جهاد، استقامت و ثبات قدم؛ مقاومت اسلامی را رکن دین، محبوب‌ترین عمل، فضل خدا بر بندگان و مایه‌ی حیات امت اسلام دانسته است. در

نگاه قرآن کریم، اهداف مقاومت اسلامی که عبارت است از: استقرار حکومت اسلامی، دفاع از نظام اسلامی مستقر، بازدارندگی دشمن از اقدامات نظامی و سیاسی و اقتصادی علیه امت اسلامی، دفاع از مستضعفان، تامین امنیت، تامین آزادی دینی و عدالت اجتماعی، به هم پیوسته‌اند و یک حقیقت واحد را شکل می‌دهند؛ بلکه برخی اهداف مانند استقرار نظام اسلامی نسبت به برخی اهداف دیگر جنبه‌ی مقدمی و ابزاری دارند. از این رو جبهه‌ی مقاومت باید به‌طور هم‌زمان برای تحقق همه‌ی اهداف تلاش کند تا از افراط و تفریط مصون باشد. بر این اساس دیدگاه‌ها و اقدامات جریان‌های تکفیری با آموزه‌های قرآن و حقیقت اسلام ناسازگار، بلکه مخالف است.



منابع

- 0 قرآن کریم.
- 0 نهج البلاغه.
- 0 ابن ابی حاتم، ع. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- 0 ابن عاشور، م. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.
- 0 ابن عطیه اندلسی، ع. (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز* (معروف به تفسیر خازن). ع.ع. محمد (محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 0 ابن کثیر، ا. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- 0 ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- 0 ابو حیان، م. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- 0 بستانی، پ. (۱۹۸۷م). *محیط المحیط*. بیروت: مکتبه لبنان.
- 0 بهرامی، ک. و دیگران (۱۳۹۶). *تجربه اقتصاد مقاومتی در جهان و ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). *بیانیه گام دوم انقلاب*.
- 0 بیضاوی، ع. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 تقی زاده اکبری، ع. (۱۳۸۶). *جهاد در آئینه قرآن*. قم: زمزم هدایت.
- 0 جصاص، ا. (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 جهانیان، ن. (۱۳۸۸). *اسلام و رشد عدالت محور*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 0 حقی بروسوی، ا. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- 0 درخشان، م. (۱۳۸۷). *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تاثیر آن بر اقتصاد ایران*. در پژوهشنامه، شماره ۹.
- 0 رازی، ف. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: دارالعلم؛ بیروت: الدار الشامیه.
- 0 زحیلی، و. (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. (ج ۲). بیروت - دمشق: دار الفکر المعاصر.
- 0 سید قطب. (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. (چاپ هفدهم). بیروت - قاهره: دارالشروق.
- 0 شفیع نبی، ا. (۱۴۳۲ق). *فقه المقاومه دراسه مقارنه*. تهران: مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی.





- 0 شوکانی، م. (۱۴۱۴ق). فتح القدير. دمشق: دار ابن كثير.
- 0 صدر، م.ب. (۱۳۸۹ق). اقتصادنا. (چاپ سوم). بيروت: دارالفكر.
- 0 طباطبائی، م.ح. (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- 0 طبرسی، ف. (۱۴۱۵ق-۱۹۹۵م). تفسير مجمع البيان. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بيروت-لبنان.
- 0 طریحی، ف. (۱۳۷۵). مجمع البحرين. (ج ۵ و ۲). تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- 0 طنطاوی، م. (بی تا). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. بی جا: بی نا.
- 0 عبده، م. (۱۳۷۰). خطب و حکم الإمام علی عليه السلام. (جلد ۲). قم: دار الذخائر.
- 0 قاسمی، م.ج. (۱۴۱۸ق). محاسن التاویل. م. باسل عیون السود (تحقیق). (ج ۳ و ۵). بيروت: دار الکتب العلمیه.
- 0 قرطبی، م. (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. (ج ۸ و ۱۰). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- 0 کلینی. (۱۳۶۷). الکافی. دار الکتب الإسلامیه - طهران.
- 0 لطیفی پاکده، ل.ع. (بی تا). اسلام و روابط بین الملل. قم: زمزم هدایت.
- 0 مراغی، ا. (بی تا). تفسیر المراغی. (ج ۲). بيروت: داراحیاء التراث العربی.
- 0 مصلی نژاد، غ.ع. (۱۳۸۴). آسیب شناسی توسعه‌ی اقتصادی در ایران. تهران: قوس.
- 0 مظهری، م.ث. (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری. (جلد ۱). غ.ن. تونس (محقق). پاکستان: مکتبه رشديه.
- 0 مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- 0 مولوی، م. (۱۳۹۶). گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن، پیش‌ران موثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی. در دوفصل نامه‌ی آینده.
- 0 میرحسینی، م. (۱۳۹۱-۱۳۸۹). استقامت و پایداری در قرآن. در ادبیات پایداری، سال دوم، شماره‌ی ۳-۴، ص. ۵۹۴.
- 0 النوری طبرسی، ح. (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸). مستدرک الوسائل. بيروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- 0 میرمعزی، ح. (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق). تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 0 هاشمی شاهرودی، م. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت عليه السلام. (جلد ۲). قم: موسسه فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليه السلام.

References

- 0Abdo, M. (1370 AP). Sermon and ruling of Imam Ali (AS). (Vol. 2). Qom: Dar al-Zakhair.
- 0Abu Hayyan, M. (1420 AH). The sea of environment in interpretation. Beirut: Dar al-Fikr.
- 0al-Kulayni. (1367 AP). Usul al-Kafi. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyah.
- 0al-Nuri Tabarsi, H. (1408 AH). Mustadrak al-Wasail. Beirut: Al-Albayt Foundation for the Revival of Heritage.
- 0Bahrami, K. And others (1396 AP). Experience of resistance economy in the world and Iran. Tehran: Research Institute of Culture, Arts and Communications, in collaboration with the Deputy Minister of Cultural Affairs of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- 0Beizawi, A. (1418 AH). The lights of revelation and the secrets of interpretation. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- 0Bostani, P. (1987). Environment. Beirut: Lebanese School.
- 0Derakhshan, M. (1387 AP). The nature and causes of the 2008 financial crisis and its impact on the Iranian economy. In the research journal, number 9.
- 0Haqi Brusoi, A. (n.d.). Interpretation of the Spiritualists. Beirut: Dar al-Fikr.
- 0Hashemi Shahroudi, M. (1426 AH). The culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt (AS) (Vol. 2). Qom: Institute of Islamic Jurisprudence on the religion of the Ahl al-Bayt (AS).
- 0Holy Quran.
- 0Ibn Abi Hatim, A. (1419 AH). Interpretation of the Great Qur'an. Saudi: Nizar Mustafa Al-Baz School.
- 0Ibn Ashour, M. (n.d.). Writing and lighting. n.p.
- 0Ibn Atiyah of Andalusia, A. (1422 AH). The brief editor in the interpretation of the dear book (known as Tafsir Khazen). A. A. Muhammad (researcher). Beirut: Scientific Library.
- 0Ibn Kathir, A. (1419 AH). Interpretation of the Great Qur'an. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyah.
- 0Ibn Mandour, M. (1414 AH). Arabic language. Beirut: Dar Sader.
- 0Jahanian, N. (1388 AP). Islam and the growth of justice-oriented. Qom: Institute of Islamic Culture and Thought.
- 0Jess, A. (1405AH). The rules of the Qur'an. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- 0Khamenei, Seyed A. (22/11/1397). Statement of the second step of the revolution.
- 0Latifi Pakdeh, L. A. (n.d.). Islam and International Relations. Qom: Zamzam Hedayat.
- 0Makarem Shirazi, N. (1374 AP). Tafsir Nemooneh. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.





- 0Maraghi, A. (n.d.). Interpretation of falsehoods. (Vol. 2). Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- 0Mazhari, M. Th. (1412 AH). Interpretive interpretation (Gh. N. Tunesi, Ed., Vol. 1). Pakistan: Rushdie School.
- 0MirHosseini, M. (1391 AP - 1389 AP). Endurance and stability in the Quran. Resistance and Stamina in Quran, 2(3-4), p. 594.
- 0MirMoezi, H. (1390 AP). Islamic economic system (principles, goals, strategic principles and ethics). Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- 0Molawi, M. (1396 AP). The Social Approach to Quranic Tafsir as an Effective Driving Force in the Shaping and Prosperity of the New Islamic Civilization. Journal of Iran Futures Studies, 2(3), pp. 141 – 160.
- 0Mosalanezhad, Gh. A. (1384 AP). Pathology of economic development in Iran. Tehran: Arc.
- 0Nahj al-Balagha.
- 0Qasemi, M. J. (1418 AH). Mahasin al-Tawil (M. B. Uyun al-Sood, Ed., Vol. 3 & 5). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.
- 0Qortabi, M. (1364 AP). The comprehensive rules of the Qur'an. (Vol. 8 & 10). Tehran: Naser Khosrow.
- 0Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). Vocabulary in the stranger of the Qur'an. Damascus: Dar al-Alam; Beirut: Aldar Al-Shamiya.
- 0Razi, F. (1420 AH). The keys of the unseen. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- 0Sadr, M. B. (1389 AP). Iqtisaduna (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr.4th
- 0Sayyid Qutb. (1412 AH). Fi Zilal al-Quran (17th ed.). Beirut: Dar al-Shorouq.
- 0Shafieinia, A. (1432 AH). Resistant jurisprudence is a comparative study. Tehran: Assembly of Approximation between Islamic Religions.
- 0Shokani, M. (1414 AH). Opening the Fate. Damascus: Dar Ibn Kathir.
- 0Tabarsi, F. (1415 AH). Interpretation of the Assembly of Speakers. Scientific Press Foundation - Beirut - Lebanon.
- 0Tabatabaei, M. H. (1417 AH). Balance in the interpretation of the Qur'an. Qom: Islamic Publications Office, Qom Seminary Teachers Association.
- 0Taghizadeh, A. (1386 AP). Jihad in the mirror of the Quran. Qom: Zamzam Hedayat.
- 0Tantawi, M. (n.d.). Interpretation of the medium for the Holy Quran. n.p.
- 0Tarihi, F. (1375 AP). Bahrain Assembly. (Vol. 5 & 2). Tehran: Mortazavi Bookstore.
- 0Zahili, V. (1418 AH). Interpretation of the light in belief, law and method. (Vol. 2). Beirut - Damascus: House of Contemporary Thought.